

نمونه ای موردی از: تقیه عالمی امامی در دمشق قرن دهم با ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی

❦ دون استوارت، ترجمه محمد کاظم رحمتی ❦

مقدمه

در سراسر تاریخ اسلام شیعیان عمل به کاری که در سنت فقهی تقیه نامیده می شود، به هنگام حضور در محافل علمی یا برای کاستن از پیامدهای تبعیض های در میان جوامع با اکثریت سنی می کرده اند.^۲ بررسی موارد تاریخی تقیه در خصوص عالمان امامیه نشانگر وجود

۱. از همکارم محمد کاظم رحمتی برای همکاری ارزشمندش برای یافتن منابع این مطالعه سپاسگزارم. این مقاله ترجمه ای است از:

“A Case of Twelver Shiite Taqiyyah in 16th-Century Damascus: Claimed Adherence to the Shāfi ̄ Legal School”

از نویسنده محترم و دوست گرامی دون استوارت که مقاله در دست انتشار خود را برایم ارسال کرد، سپاس فراوان دارم. مترجم

۲. در باب تقیه به نحو عام بنگرید به: محمد فوزی، مفهوم التقیه فی الاسلام (بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۹۸۵)؛ نذیه محیی الدین، التقیه (بیروت: دار القلم، بی تا)؛ علی شملاوی، التقیه فی إطارها الفقهی (بیروت: شمس المشرق، ۱۹۹۲)؛ فتحیه مصطفی عطوی، التقیه فی الفكر الاسلامی (بیروت: الدار الاسلامیة، ۱۹۹۳)؛ سامی مکارم، التقیه فی الاسلام (لندن: مؤسسة تراث الدروریة، ۲۰۰۴)؛

Ignaz Goldziher, “Das Prinzip der takijja im Islam,” Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft 59 (1906): 213–26; Rudolf Strothmann, “Takiyya,” Encyclopaedia of Islam, 1st ed., 9 vols. (Leiden: E.J. Brill, 1913–36), 8:628–29; Egbert Meyer, “Anlass und Anwendungsbereich der taqiyya,” Der Islam 57 (1980): 246–80; Etan Kohlberg, “Some Imāmī–Shī ̄ Views on Taqiyya,”

خصلت های مشترکی در عمل به تقیه چون تغییر دادن نسبت (شهرت دال بر اصل و نسب، مکان اقامت یا اجداد)؛ پنهان کردن نام مکانی که فرد اهل آنجاست، تغییر در نسب یا حتی تغییر در شیوه لباس پوشیدن است (استوارت، ۱۹۹۶؛ ۲۰۰۳). اسناد نشانگر درگیر بودن عالمان و فقیهان به تقیه، اجازات و کتابهای تقدیم شده به حکام یا حامیان سنی است (استوارت، ۲۰۰۳). از اوایل قرن چهارم تا روزگار کنونی، عالمان امامی به هنگام تقیه خود را پیرو یکی از مذاهب فقهی مشهور اهل سنت معرفی می کنند. کتابهای تراجم نگاری مواردی از عالمان امامی را ذکر کرده اند که ادعای حنفی، شافعی، حنبلی و ظاهری مذهب بودن، داشته اند هر چند مذهب عموماً ذکر شده در هنگام تقیه توسط عالمان امامیه، مذهب شافعی است (استوارت، ۱۹۹۷؛ همو، ۱۹۹۸، ص ۶۱-۱۰۹). هر چند مدارک مدلل بر عمل به تقیه بسیار اندک است و در غیاب مدرک صریح دال بر آن، مورخان مستعد مورد تردید قرار دادن اخبار آمده در منابع دست دوم و سوم به عنوان مطالبی محتملاً اغراق آمیز، گرافه گویی، شایعه یا اتهام هستند. مطالعه کوتاه حاضر به بررسی یکی از موارد عمل به تقیه توسط شخصی به نام محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی، عالم و کاتبی از قرن دهم هجری / شانزده میلادی که در دمشق و جبل عامل - مکانی که اکنون در جنوب لبنان است - و شاگرد فقیه برجسته امامی زین الدین عاملی مشهور به شهید ثانی به دلیل شهادتش توسط مقامات عثمانی در ۱۵۵۸/۹۶۵ می پردازد.^۱ مدرک یاد شده شاهدی صریح بر ادعای شافعی بودن از

Journal of the American Oriental Society 95 (1975): 395-402; idem, "Taqiyya in Shī'ī Theology and Religion," pp. 345-80 in *Secrecy and Concealment: Studies in the History of Mediterranean and Near Eastern Religions*, ed. Hans G. Kippenberg and Guy G. Stroumsa (Leiden: Brill, 1995); Devin J. Stewart, "Taqiyyah as Performance: The Travels of Bahā - al-Dīn al- Āmilī in the Ottoman Empire (991-93/1583-85)," *Princeton Papers in Near Eastern Studies* 4 (1996): 1-70; idem, "Dissimulation in Sunni Islam and Morisco Taqiyya," *al-Qanṭara* 34.2 (2013): 439-90; Maria Dakake, "Hiding in Plain Sight: The Practical and Doctrinal Significance of Secrecy in Shi'ite Islam," *Journal of the American Academy of Religion* 74 (2006): 324-55.

۱. درباره زین الدین عاملی به نحو عام بنگرید به: مقدمه رضا مختاری بر زین الدین عاملی، منیه المریدی فی ادب المفید والمستفید (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۹۸۹)، ص ۸۸-۹.

Devin J. Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al- Āmilī," *Die Welt des Islams* 48 (2008): 289-347; idem, "Investigating the Second Martyr," pp. 10-16 in *Muḥammad KĀzim*

سوی فقیهی امامی است و شواهد دیگر که دلالت بر این دارد عالمان امامیه ناحیه شام عموماً خود را شافعی مذهب به منظور تسهیل حضور خود در جوامع علمی اهل سنت شام داشته اند را تأیید می کند. شاهد اخیر به دانسته های مادر خصوص نقشی که تقیه در شام تحت سیطره عثمانی ها در قرن دهم هجری به عنوان حفاظی برای مقابله با نزاع در جریان عثمانی با شیعیان امپراتوری صفویه داشته، مطلب تازه ای اضافه می کند.



ارزیابی و بررسی وضعیت شیعیان در شام قرن دهم هجری / شانزده میلادی موضوع ساده ای نیست. از یک سو شیعیان از شام تحت سیطره عثمانی اخراج یا قلع و قمع نشده اند و جوامع آنها تا روزگار کنونی باقی مانده است. دانسته است که عثمانی ها با اشراف محلی شیعه در شام و دیگر مناطق تعامل داشته و آنها را به عنوان جمع کنندگان خراج بدون انگ مذهبی زدن به آنها گمارده اند و از سوی موقوفاتی برای عتبات و مراقد مقدسه شیعه در نجف و کربلا در جنوب عراق معین کرده اند. از سوی دیگر تردیدی در این نیست که عثمانیها از نظر ایدئولوژیکی و مذهبی با تشیع و شیعیان مخالف بوده اند و درصد حضور شیعیان در طی حاکمیت عثمانی ها بر شام کاهش یافته است. در ایام حکومت فاطمیان و همدانیان شمار شیعیان در بسیاری از شهرهای شام چون صور، طرابلس و حلب بسیار بوده است. حلب حتی شاید شهری نیمه شیعه نشین بوده است. این وضعیت با قدرت گیری حکام سنی زنگی، ایوبیان و ممالیک دگرگون شد و همگی آنها برای حذف شیعیان از فضای عمومی و تقلیل دادن شیعیان کوشیدند، کاری که عثمانی ها نیز به عنوان سیاست اسلاف خود در خصوص رعایای شیعه شام در پیش گرفتند و ادامه دادند تا شمار جمعیت شیعیان در اکثر شهرهای ذکر شده کاهش یافت و تنها حضور شیعیان محدود به نواحی حاشیه ای چون نواحی جبل عامل و دره بقاع شد.^۱

Raġmatī (ed.), *Law in Transmission: The Āmilī Role in the Development of Shi'ī Law* (Qum: Academy of Islamic Sciences and Culture, 2009).

۱. در خصوص وضعیت شیعیان در شام تحت سلطه عثمانی بنگرید به:

Marco Salati, "I villaggi imamiti della provincia di Aleppo in epoca ottomana," *Rivista degli Studi Orientali* 63 (1989): 231-55; idem, "Ricerche sullo Sciismo nell'impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dīn al-Šahīd al-Tānī a Istanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545)," *Oriente*

عثمانی‌ها در بیشتر اوقات قرن دهم هجری / شانزده میلادی مشغول نبرد و جنگ با صفویان، تشیع و قزلباش‌ها بودند که قزلباش‌ها نه تنها ستون فقرات قدرت صفویه که تهدید بالقوه برای حاکمیت عثمانی‌ها در شرق آناتولی محسوب می‌شدند و به مناقشات چهره‌ای فرقه‌ای می‌داد هر چند ممکن است که ادعا شود منازعات در اصل بازتابی از تلاش‌های مداوم برای کنترل راه تجارت ابرایشم به عنوان منبعی برای درآمد و اخذ مالیات بوده است. نیروهای عثمانی صفویان را در چالدران به سال ۱۵۱۴/۹۲۰ شکست دادند و گسترش نفوذ و قلمرو شاه اسماعیل (حکومت ۱۵۰۱-۱۵۲۴) را متوقف کردند. در دوران شاه طهماسب (حکومت ۱۵۲۴-۱۵۷۶) سلطان سلیمان لشکرکشی بزرگ علیه ایران انجام داد. نخستین لشکرکشی در ۱۵۳۴-۱۵۳۶ بود که منجر به فتح عراق عرب و تبریز شد. نیروهای عثمانی از طریق حلب به استانبول بازگشتند. دومین لشکرکشی در ۱۵۴۸-۱۵۴۹ رخ داد و با همراهی برادر شورشی شاه طهماسب، القاص میرزا همراه بود که عثمانی‌ها از وی به عنوان آلت دستی برای حمله به ایران استفاده کرده بودند. سومین لشکرکشی عملیاتی گسترده در ۱۵۵۳-۱۵۵۵ بود. نیروهای عثمانی زمستان ۱۵۵۳-۱۵۵۴ را در حلب بسربردند و متعاقب آن ارزروم و اکثر آذربایجان را اشغال کردند. این لشکرکشی به امضاء معاهده صلح آماسیه در ۱۵۵۵/۹۶۲

Moderno 70 (1990): 81-92; idem, *Ascesa e caduta di una famiglia di Ašraf sciiti di Aleppo: I Zuhrawi o Zuhra-zada (1600-1700)* (Rome: Istituto per l'Oriente C.A. Nallino, 1992); idem "Toleration, Persecution and Local Realities: Observations on the Shiism in the Holy Places and the Bilad al-Sham (Sixteenth-Seventeenth Centuries)," pp. 123-32 in *La Shi a nell'Impero ottoman* (Rome: Accademia Nazionale dei Lincei, 1993); idem, "Presence and Role of the Sādāt in and from Éabal Āmil (Fourteenth-Eighteenth Centuries)," *Oriente Moderno* 79 (1999): 597-627; idem, "Shiism in Ottoman Syria: A Document from the Qāḍī Court of Aleppo (963/1555)," *Eurasian Studies* 1 (2002): 77-84; Andrew Newman, "The Myth of Clerical Migration to Safawid Iran: Arab Shiite Opposition to Ālal-Karakī and Safawid Shiism," *Die Welt des Islams* 33 (1993): 66-112; Devin J. Stewart, "Notes on the Migration of Āmilī Scholars to Safavid Iran," *Journal of Near Eastern Studies* 55 (1996): 81-103; idem, "An Episode in the Āmili Migration to Safavid Iran: Husayn b. Abd al-Samad al- Āmili's Travel Account," *Iranian Studies* 39.4 (2006): 481-508; Stefan Winter, *The Shiites of Lebanon under Ottoman Rule, 1516-1788* (Cambridge: Cambridge University Press, 2010).

منتهی شد که در پی آن صفویان اکثر بخش های آذربایجان را به عثمانی واگذار کردند. معاهدهٔ اخیر تا هنگام مرگ شاه طهماسب در ۱۵۷۶/۹۸۴ پابرجا بود هر چند روابط میان دو کشور زمانی که شاه طهماسب به شاهزاده بایزید عثمانی که بر پدرش سلطان سلیمان شوریده بود و به ایران آمده بود، پناه داده بود، متشنج شده بود (علوش، ۱۹۸۳).

در حالی که عثمانی ها به حفظ و برقراری امنیت در آناتولی شرقی خاصه میان قبایل و آنچه که می توانست به عنوان نشانی از تشیع حرکت آفرینی کند، توجه داشتند، شام نیز مورد توجه بود چرا که حلب شاهراه مهم تجارت و عبور کاروان های تجاری بود. عثمانی ها به کسانی که از ایران به قلمرو عثمانی سفر می کردند، که شامل کاروان های هر ساله حج مکه نیز می شد، حساس بودند چرا که در کاروان ها جاسوسان و آشوب گران صفوی حضور داشته اند (ابرهارد، ۱۹۷۰؛ کوتوغلو، ۱۹۶۲). چنین حساسیت های بالایی از سوی مقامات عثمانی باید شیعیان شام را به درپیش گرفتن حزم و احتیاط در عرصه های عمومی هویت و اعمال شیعی واداشته باشد که ممکن بوده به عنوان اتهام ارتباطی میان آنها با صفویان یا شیعیان ایرانی تلقی شود.

نسخه ای از کتاب الروضة البهية اثری فقهی در مذهب امامیه

نسخهٔ خطی از کتاب فقهی در مذهب امامیه دلیلی است که محمد بن احمد بن سید ناصر الدین عالمی امامی و شاگرد بلافضل فقیه و عالم برجستهٔ امامی زین الدین عاملی بوده است. نسخهٔ خطی شمارهٔ ۲۰۱۷۲ کتابخانهٔ ملی تهران، کتابتی از کتاب دو جلدی زین الدین در فقه یعنی الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، شرحی بر کتاب اللمعة الدمشقية محمد بن مکی جزینی که توسط حاکم مملوکی دمشق در ۱۳۸۴/۷۸۶ به شهادت رسید و به شهید اول در سنت امامیه شهرت دارد، می باشد. از قرن دهم هجری تاکنون شرح اخیر متن متداول در سنت مدرسی فقه امامیه بوده است.

نسخهٔ مورد بحث به تفصیل توسط جلال الدین همایی در مطالعه ای منتشر شده پس از مرگش اخیراً به همراه مقدمه ای توسط رسول جعفریان منتشر شده است (همایی، ۲۰۱۵). کاتب این نسخه در انجامه ای که در ادامه آمده در پایان جلد اول نوشته است:

«وافق الفراغ من تعليقه صبح الثلاثاء يوم الثالث عشر من شهر شعبان المعظم قدره من شهر

سنة سبعة و خمسين و تسعمائة بقلم العبد الفقير الى الله تعالى الخاطى الراجى عفوره و شفاعه نبيه و ائمه محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين العلوى الحسينى العاملى عامله الله بلطفه و عفى عنه بمنه و كرمه».

پایان کتابت این مجلد مصادف است با صبح سه شنبه سیزدهمین روز از ماه شعبان المعظم، مقدر در سال ۹۵۷ بقلم بنده فقیر گناه کار آرزومند عفو خداوند بلند مرتبه و شفاعت پیامبر و امامانش محمد بن احمد بن سید ناصرالدین علوی حسینی عاملی که خداوند بالطفش با او رفتار کند و از وی درگذرد به بزرگواری و کرمش (الروضه البهیة، برگ ۱۵۸ پشت؛ همایی، ۱۳۹۴/۲۰۱۵، ص ۹۷۰-۹۷۳).

تاریخ کتابت مجلد نخست سیزدهم شعبان ۹۵۷/۲۶ آگوست ۱۵۵۰ است. کاتب نام خود را محمد بن احمد بن سید ناصرالدین علوی حسینی عاملی ذکر کرده است. به محل کتابت نسخه اشاره ای نشده است. مشخص است که وی نسخه خود را از روی نسخه اصل زین الدین عاملی کتابت کرده چرا که زین الدین برای وی مطالبی دال بر سماع نسخه توسط شاگرد به هنگام خواندن متن در نزدش و مقابله با اصل برای او نوشته است (همایی، ۱۳۹۴/۲۰۱۵، ص ۹۶۹-۹۷۰). همایی مدعی است که نسخه حاضر نخستین کتابت از نسخه اصل مؤلف بوده است (همایی، ۱۳۹۴/۲۰۱۵، ص ۹۶۹).

به علاوه گواهی سماعات، زین الدین اجازه کوتاهی دال بر قرائت متن در آخر جلد اول نوشته که نشان می دهد کاتب نه تنها نسخه را با اصل مقابله کرده بلکه کتاب الروضة البهیة را نزد مؤلف نیز خوانده است.

«انها احسن الله تعالى توفيقه و تسديده و اجزل من كل عارض^۱ مزیده و تأییده قراءه و سماعاً و فهماً و (متناً بجثاً)^۲ و استشرحاً فى مجالس متعددة آخرها يوم الأحد لثلاثة^۳ خلت

۱. همایی این کلمه را عارفه خوانده است. [همین خوانش صحیح است (ویراستار)].

۲. این کلمه در متنی که همایی آورده، از قلم اقتاده است.

۳. همایی این کلمه را ثلاثه خوانده است. (دشواری هایی در خواندن خط شهید وجود دارد. صورت درست انهاء شهید ثانی چنین است: «انها احسن الله تعالى توفيقه و تسديده و اجزل من كل عارفه مزیده و تأییده قراءه و سماعاً و فهماً و بجثاً و استشرحاً فى مجالس متعددة آخرها يوم الاحد، ليلاً خلت من شهر جمادى الاولى سنة ثمان و خمسين و تسعمائة من الهجرة الطاهرة النبوية و كتب مؤلفه الفقير الى الله تعالى زين الدين بن على بن احمد حامداً مصلياً مسلماً» مترجم).

من شهر جمادی الاولى سنة ثمان و خمسين وتسعمائة من الهجرة الطاهرة النبوية و مؤلفه الفقير الى الله تعالى زين الدين بن علي بن احمد حامداً مصلياً مسلماً»

خداوند بلند مرتبه او را توفیق دهد و استوارش نگه دارد، و از هر خیر او را بهره مند کند و فزونتر عطا کند و او را مورد تایید خود قرار دهد، خواندن متن را به قرائت و سماع و فهم و بحث و شرح دادن آن برایش توسط من به پایان رساند در مجالس متعددی که آخرین آنها روز یکشنبه سه شب گذشته از ماه جمادی الاولى سال ۹۵۸ از هجرت نبوی پیامبر طاهرش و نگاشت مؤلف نیازمند درگاه خداوند بلند مرتبه زین بن علی بن احمد در حالی که ستایش گوی پروردگارش و درود فرستاننده بروی و ایمان آوردنده به اوست.

سخن از اینکه کاتب نسخه را نزد مؤلف در مجالس مختلفی (المجالس المتعددة) سماع کرده دلالت دارد که کاتب محمد بن احمد بن ناصرالدین دست کم جلد اول را نزد زین الدین خوانده است. به علاوه دو تاریخ، یکی تاریخ کتابت نسخه یعنی ۱۳ شعبان ۹۵۷/۲۶ آگوست ۱۵۵۰ و تاریخ اجازة زین الدین به شاگردش سوم جمادی الاولى ۹۵۸/۱۰ می ۱۵۵۱ متضمن این است که شهید ثانی کتاب را دست کم به مدت فزونتر از هشت ماه به کاتب تدریس می کرده است. برهه ای که در طی آن این دو مشغول خواندن کتاب بوده اند، احتمالاً دست کم یک سال و نیم بوده چرا که خواندن مجلد اول بیش از هشت ماه به طول کشیده بود و کتاب مشتمل بر دو جلد است. متأسفانه نسخه حاضر آسیب دیده و انجمه اصل مجلد دوم افتاده که به احتمال بسیار باید مشتمل بر انجمه دیگر کاتب و شاید اجازة زین الدین عاملی به کاتب بوده است.

به واسطه دیگر منابع می دانیم که زین الدین از ۱۵۴۹/۹۵۶ تا هنگام شهادتش در نه سال بعد، در خفا بوده است. این دوره از زندگی و فعالیتهايش در پرده ابهام قرار دارد و اساساً به این دلیل که شرح حال زندگی او که شاگردش ابن العودی به نام بغية المرید نوشته، تقریباً دوسوم از اصل متنش که مشتمل بر احوال زین الدین در سالهای مذکور بوده، اکنون در دست نیست (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۲۹۴-۲۹۶، ۳۲۱، ۳۲۵-۳۲۶؛ استوارت، ۲۰۰۹). در اکثر نه سال اخیر زین الدین مشغول به تدریس فقه به شاگردان امامیش در جزین و دیگر روستاهای

۱. همایی عبارت متن را («و انا مؤلفه») خوانده است. (همانگونه که اشاره شد شهید ثانی عبارت کتب را به صورت ل کوچکی کتابت کرده است. مترجم).

جبل عامل به صورت پنهانی بوده است. او ممکن است که از اقامت در زادگاهش جبع یا جباع به منظور گریختن از چنگ مقامات اجتناب کرده باشد. او در سال ۹۶۳-۹۶۴ / ۱۵۵۶-۱۵۵۷ در دمشق دستگیر شد اما راهایی یافت. او به کاروان های حج که از دمشق در شوال ۹۶۴ / آگوست ۱۵۵۷ به حجاز می رفتند، پیوست و حج را در همان سال در ذوالحجۀ ۹۶۴ / اکتبر ۱۵۵۷ به جا آورد و در مکه اقامت گزید و تصمیم گرفته بود با کاروانی که به شام بازمی گشت، بازنگردد. او در اوایل ۹۶۵ / ۱۵۵۸ در مکه دستگیر شد و به مدت چهل و دو روز در زندان بود سپس به استانبول از طریق قاهره فرستاده شد و در هشتم شعبان ۹۶۵ / ۲۶ مه ۱۵۵۸ به شهادت رسید (استوارت، ۲۰۰۸).

زین الدین تمام هم و غم خود را در این برهه از زندگی به تألیف و تدریس دو کتاب اصلی فقهی اش الروضة البهية و مسالک الافهام اختصاص داده بود. وی به نگارش و تدریس الروضة البهية از ۹۵۶ / ۱۵۴۹ تا ۹۶۰ / ۱۵۵۲-۱۵۵۳ اگر بیشتر نباشد، مشغول بوده است. او نگارش مجلد اول الروضة البهية را در اول ربیع الاول ۹۵۶ / ۳۰ مارس ۱۵۴۹ آغاز کرده بود و نگارش آن را در ششم جمادی الثانی ۹۵۶ / ۲ جولای ۱۵۴۹ به پایان رسانده بود. زین الدین نگارش جلد دوم را در ۲۱ جمادی الاولی ۹۵۷ / هفتم ژوئن ۱۵۵۰ به پایان رساند. سید علی صائغ، شاگرد زین الدین و پدرزن یکی از همسران زین الدین، کتابت نسخه ای از الروضة البهية را در پانزدهم صفر ۹۵۸ / ۲۲ فوریه ۱۵۵۱ به پایان رسانده بود و از خواندن آن نزد استادش درسوم جمادی الاولی ۹۵۸ / پنجم ژوئن ۱۵۵۱ فراغت یافته بود. زین الدین اجازه ای برای او به تاریخ ۳۰ جمادی الاولی ۹۵۸ / ۵ ژوئن ۱۵۵۱ نوشته بود. علی بن احمد بن ابی جامع کتابت نسخه ای از الروضة البهية را در ۹۶۰ / ۱۵۵۲-۱۵۵۳ به پایان برده بود و اجازه ای برای خواندن کتاب از زین الدین احتمالاً در همان سال دریافت کرده بود (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۲۳-۳۲۴). نسخه خطی مورد بحث ماتصویرارایه شده را کامل می کند و نشان می دهد که زین الدین الروضة البهية را به شاگرد دیگر در همان دوران، مشخصاً بیش از هشت ماه میان ۱۳ شعبان ۹۵۷ / ۲۶ آگوست ۱۵۵۰ و سوم جمادی الاولی ۹۵۸ / ۱۰ مه ۱۵۵۱ خاصه تدریس کرده و به احتمال بسیار دستکم برای هشت ماه پس از آن به تدریس خود ادامه داده تا خواندن جلد دوم در ۹۵۹ / ۱۵۵۲ به پایان رسیده است.

زین الدین گرچه در خفا بود، اما این امکان را داشت که به نحو فشرده به شماری از

شاگردانش تدریس کند. بر اساس وجود چندین نسخه سالم از کتاب الروضة البهية و اثر دیگر نسخه هایی از کتاب فقهی زین الدین یعنی مسالک الافهام باید به احتمال بسیار شمار اندکی از فعالیت های گسترده زین الدین در مجال تدریس باشند. مشخص است که زین الدین مدرسه ای را به شخصه اداره می کرده که به تدریس به فقیهان امامی سطوح بالا اختصاص داشته هر چند او چنین کاری را پنهانی و در خفا انجام می داده است. مدرسه مورد بحث در اکثر ایام دوران اخیر در جزین بوده، جایی که دانسته است زین الدین در ۱۵۴۹/۹۵۶ در آنجا پنهان شده بوده است (استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۲۱-۳۲۳). سفر شماری از شاگردان برجسته دیگر نواحی برای تحصیل علم به نزد زین الدین ممکن است که یکی از عواملی بوده که باعث توجه مقامات عثمانی به زین الدین شده است که وی را خطری به حساب آورند.

نسخه الروضة البهية در سنت شیعی باقی مانده است. در قرن یازدهم هجری در تملک نواده زین الدین، شیخ علی بن محمد بن حسن بن زین الدین (متوفی ۱۱۰۳/۱۶۹۱-۱۶۹۲) مؤلف کتاب الدر المثلثون من المأثور و غیر المأثور و دیگر آثار بوده است. شیخ علی جبل عامل را ترک نموده و در میانه قرن یازدهم در اصفهان سکنی گزید.^۱ او برای فرزندش حسین، اجازه روایت کتاب را به تاریخ ۱۷ محرم ۱۰۷۴/۲۲ آگوست ۱۶۶۳ در آخر جلد اول و اجازه ای دیگر

۱. درباره سرانجام کتابخانه و کتابهای زین الدین بنگرید به:

Stewart, "Ottoman Execution," 295-96.

(شهید ثانی در سفر خود به حجاز در سال ۹۶۴ برخی کتابهای خود را همراه داشته است. شاگرد وی ملا محمود لاهیجانی در سفر اخیر همراه شهید ثانی بود. او در مکه تلاش کرد تا شاید بتواند شهید را نجات دهد. تلاش های او ناکام ماند اما او توانست همه یا شاید برخی از نسخه های شهید ثانی را بدست آورد و دقیقاً دانسته نیست که او آیا نسخه را به وراث شهید بازگرداند یا خیر اما هر چه هست از آن مجموعه کتابها چند نسخه باقی مانده است. از جمله کتاب شرح تهذیب الوصول سید جمال الدین بن عبدالله حسینی جرجانی موجود در کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره ۲۶۷۰ که داود بن شمس بن داود بن احمد بن حسن فقیه شیبانی بغدادی بخرانی از کتابت آن در روز پنجشنبه هشتم جمادی الثانی ۹۵۲ فراغت حاصل کرده است (مطلب اخیر تذکر دوست گرامی حجت الاسلام و المسلمین ابوالفضل حافظیان است). همین گونه دانسته است که شهید ثانی به همراه خود مجموعه ای نفیس که بخشی از آن به خط حسین بن عبدالصمد حارثی است و در کتابخانه ملی فارس به شماره ۳۷۰ موجود است، همراه داشته است. بر نسخه شرح تهذیب الوصول همین گونه بر مجموعه ۳۷۰ فارس یادداشتی از ملا محمود بن محمد لاهیجانی است که متذکر شده کتاب از جمله ممتلكات شهید ثانی بوده است. مترجم).

در روز بعد برای روایت عام آنچه که در روایت خود داشته، در نخستین برگ از جلد دوم نوشته است (همایی، ۱۳۹۴/۲۰۱۵، ص ۹۷۳-۹۷۴).^۱ با فرض اینکه شیخ علی متولی کتابخانه خانوادگی خودشان که مشتمل بر کتاب های متعلق به کتابخانه خود شهید ثانی بوده، نسخه اخیر اثری عالی و ارزشمند تلقی می شده است.

شاگرد زین الدین عاملی

درباره سید محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی در کتابهای تراجم یا دیگر منابع اطلاعات چندانی نیامده است. محمد حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴/۱۶۹۳) از وی به گونه ای بسیار مختصر در کتاب تراجم نگارش امل الآمل یاد کرده و نام او را السید محمد بن ناصر الدین عاملی کرکی ذکر کرده و در توصیف او گفته: «کان فاضلاً، صالحاً، حسن الخط من تلامیذ الشهید الثانی» «او فردی فاضل و پارسا و دارای خطی زیبا و از شاگردان شهید ثانی بود (حر عاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۱۸۴؛ سالاتی، ۱۹۹۹، ص ۶۲۵). توصیف فرد اخیر به سید و اینکه او شاگرد زین الدین بوده و خطی زیبا داشته، دلالت دارد که او همان فرد کاتب نسخه ذکر شده در قبل است هر چند کمی تفاوت در ذکر نام او توسط حر عاملی وجود دارد. در متن چاپ شده امل الآمل نام او محمد بن ناصر الدین آمده اما در انجامة نسخه خطی الروضة الهیة نام وی محمد بن احمد بن السید ناصر الدین آمده است. ظاهراً حر عاملی نام پدر وی یعنی احمد را از قلم انداخته شاید به این دلیل که نام پدر بزرگ شهرت خانواده بود که شاید ابن ناصر الدین بوده است مانند ابن خلدون، ابن جماعه و دیگر نام های مشابه خانوادگی. در شرح حال شیخ حر، اشاره ای به تاریخ تولد یا وفات نیامده است. منابع بعدی تراجم نگاری اطلاعات مستقل دیگری ارایه نکرده اند.

امل الآمل مشتمل بر مدخلی بسیار کوتاه و مشابه درباره شخصی به نام بدر الدین است که به احتمال بسیار پسر سید محمد است. نام وی سید بدر الدین بن محمد بن ناصر الدین عاملی کرکی ذکر شده و در دو نسخه دیگر امل الآمل نام وی سید بدر الدین بن محمد بن محمد بن ناصر الدین آمده است (حر عاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۴۳، پانویس دوم). مطالب آمده در

۱۰۴

۱. الروضة الهیة، برگ های ۱۵۸، ۱۵۹ پشت. همایی نام فرزند را به خطا حسن ذکر کرده است.

شرح حال او چنین است: «فاضل، فقیه، صالح، من تلامیذ الشیخ ابن الشهید الثانی» «مردی عالم، فقیه، پرهیزگار و از جمله شاگردان فرزند شهید ثانی یعنی شیخ حسن صاحب معالم بوده است» (حرعاملی، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۴۳).^۱ هیچ تاریخ تولد یا وفاتی ذکر نشده اما این مطلب که وی از جمله شاگردان شیخ حسن، فرزند زین الدین (متولد در ۱۵۵۲/۹۵۹، متوفی ۱۶۰۲/۱۱۰۱) بوده نشانگر این است که او به نسلی بعد از شهید ثانی تعلق داشته است. اسامی یکسان هستند هر دو سید، و جدّ هر دو ناصرالدین است که نامی نادر است و شهرت هر دو فرد کرکی عاملی آمده است. بسیار محتمل است که بدرالدین فرزند سید محمد ذکر شده در قبل باشد.

اطلاعات آمده در نسخه‌ی الروضة البهية این امر را میسر می کند که متن آمده در امل الآمل را تکمیل کنیم: صورت صحیح نام ها ظاهراً باید چنین باشد: محمد بن احمد بن ناصرالدین و بدرالدین بن محمد بن احمد بن ناصرالدین. نام محمد آمده در برخی از نسخه های امل الآمل به صورت محمد بن محمد، به احتمال بسیار باید خطای کاتب در کتابت احمد باشد که به راحتی در کتابت اشتباه می شود.

اختلافاتی در باب شهرت یا انتساب جغرافیایی در نام های هر دو فقیه وجود دارد. امل الآمل آنها را یعنی پدر و پسر را کرکی عاملی معرفی کرده که دلالت دارد هر دو عاملی از جبل عامل و کرکی هستند یعنی اهل روستای کرک نوح نزدیک بعلبک در دره بقاع. از نظر جغرافیایی کرک نوح که اکنون در شمال لبنان است بخشی از جبل عامل نیست جز آنکه حر عاملی تعبیر عاملی را به شکل موسعی برای معرفی عالمان شیعه نواحی شام به کار برده است (سالاتی، ۱۹۸۵). در انجامة الروضة البهية محمد بن احمد بن ناصرالدین شهرت خود را الحلی آورده که اشاره ای به شهر حله در جنوب عراق است و خود را کرکی یا عاملی معرفی نکرده است. این اختلاف را شاید با در نظر گرفتن این مطلب که خانواده در کرک نوح برای شاید چند نسل سکنی داشته اما اجدادشان در حله جنوب عراق ساکن بوده اند، برطرف نمود.

۱. این اطلاعات را میرزا عبدالله افندی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، شش جلد، تحقیق سید احمد حسینی (قم: مطبعة الخيام، ۱۹۸۰)، ج ۱، ص ۹۶ و محسن امین، اعیان الشیعة (بیروت: دارالتعارف، ۱۹۸۴)، ج ۳، ص ۵۴۹؛ آقازنگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة: القرن الحادی عشر، تحقیق علینقی منزوی (قم: اسماعیلیان، بی تا)، ص ۷۹ و 618، "Sādāt," Salati تکرار کرده اند.

نکته مهم دیگر آمده در شرح حال شیخ حر عاملی، این مطلب که سید محمد بن احمد بن ناصرالدین خطی زیبا داشته است. حر عاملی شاید به واقع نسخه‌ی الروضة البهية که در اینجا مورد بحث قرار گرفته را دیده باشد چرا که او در اوایل قرن یازدهم هجری در ایران بوده و با شیخ علی کبیر، نواده‌ی زین الدین عاملی دوست نیز بوده است. نسخه‌ی حاضر یا نسخه‌های دیگر که حر عاملی در نزد شیخ علی کبیر دیده، باعث شده تا وی تذکر مربوط به خط زیبای سید محمد را متذکر شود.

نسخه‌های دیگر کتابت شده توسط ابن ناصرالدین

شمار دیگری از نسخه‌هایی که این عالم کتابت کرده در کتابخانه‌های ایران موجود است که اطلاعات بیشتری درباره‌ی فعالیت‌هایش در اختیار ما قرار می‌دهد. آقابزرگ نوشته که نسخه‌ای دیگر اثر مهم زین الدین در فقه یعنی کتاب مسالک الافهام را همین شخص کتابت کرده و تاریخ کتابت آن ۱۵۴۴-۱۵۴۵ بوده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۷، ص ۲۲۷). اگر تاریخ درست باشد، باید نسخه‌ی مذکور تنها جلد اول از مجموعه‌ی هفت جلدی کامل کتاب باشد. دانسته است که زین الدین مجلد اول کتاب مسالک الافهام را در سوم رمضان ۹۵۱/۱۸ نوامبر ۱۵۴۴؛ جلد دوم را در اول ربیع الاول ۹۵۶/۳۰ مارس ۱۵۴۹؛ جلد سوم را در ربیع الاول ۹۶۳/ژانویه - فوریه ۱۵۵۶؛ جلد چهارم را در اواخر جمادی الثانی ۹۶۳/اوایل می ۱۵۵۶ و فصل در باب قسم را در رمضان ۹۶۳/جولای - آگوست ۱۵۵۶؛ جلد ششم را در ذوالحجّه ۹۶۳/اکتبر-نوامبر ۱۵۵۶ و مجلد هفتم را در ربیع الثانی ۹۶۴/فوریه ۱۵۵۷ تألیف کرده است (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۳، ج ۲۰، ص ۳۷۸؛ رضا مختاری، ۱۹۸۹، ص ۳۰-۳۱).^۱ نسخه‌ی

۱. آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیست و هفت جلد (بیروت: دارالاضواء، ۱۹۸۳)، ج ۲۰، ص ۳۷۸؛ مختاری مقدمه بر منیة المرید، ص ۳۰-۳۱. (در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۰۵۱۹ نسخه‌ای از کتاب کافی در ۴۵۲ برگ موجود است که بخشی از آن توسط فخرالدین احمد بن محمد شیرازی - از آغاز نسخه تا پایان کتاب الجهاد و یک برگ از کتاب التجارة به خط نسخ خوش ریز با تاریخ فراغت از کتابت جمادی الاولی ۹۹۲ و کتاب التجارة، کتاب النکاح و بخشی از کتاب الطلاق تا برگ ۲۸۷ با نسخ درشت و به خط محمد بن احمد بن ناصرالدین الحسینی العاملی در نجف اشرف کتابت شده است. پس از برگ ۲۸۷ به بعد باز کاتب نسخه شخص دیگری است و در جایی روز پنجمشنبه ۵ صفر ۹۹۵ در نجف (برگ ۲۹۹ ر) و بخشی باز توسط فخرالدین احمد بن محمد شیرازی در روز پنجمشنبه اول پانزدهم شوال ۹۹۱ (برگ ۲۶۳ ر) کتابت شده

مسالك كتابت شده متضمن اين است كه محمد بن احمد بن ناصر الدين به مدت طولانی نزد زين الدين به تحصيل مشغول بوده است يعنى از ۱۵۴۸/۹۵۱ تا دست كم ۱۵۵۹/۹۵۹ حدود نه سال. وى بايد شاگرد بسيار نزديكى به استادش بوده يعنى حلقه نزديكان شهيد ثانی. مى توان حدس زد كه تبخّر او در كتابت باعث شده بود كه او براى استادش به عنوان شاگردى برجسته تر همچنين شماری از همقطاراناش مورد توجه قراگيرد.

نسخه ۲۱۸۹ كتابخانه ملك در تهران كه مجلدی از اجزاء كتاب تهذيب الاحكام از كتب اربعه شيعه و تأليف محمد بن حسن طوسى (متوفى ۱۰۶۷/۴۶۰) مى باشد. محمد بن احمد بن ناصر الدين حسینی از كتابت آن در ۲۶ ذى الحجة ۹۶۱/۲۲ نوامبر ۱۵۵۴ فراغت حاصل کرده است (ايرج افشار و ديگران، ۱۹۷۳-۲۰۰۱، ج ۱، ص ۱۸۴).

رضاختماری مطلب ديگرى آورده كه نشان از ارتباط سيد محمد بن احمد بن ناصر الدين با زين الدين عاملی دارد. در ظهر نسخه ای از كتاب الروضة البهية كه اكنون در كتابخانه آستانه مقدسه قم موجود است مطلبی درباره اينكه زين الدين در هفدهم رمضان ۹۶۵/ جولای ۱۵۵۸ به شهادت رسيد، به نقل از وى آمده است. عالمی كه اين مطلب را ثبت کرده، متذکر شده كه او نسخه را از وى دست خط محمد بن احمد بن سيد ناصر الدين حسینی كتابت کرده است. نسخه در هشتم محرم ۱۰۸۷/ مارس ۱۶۷۶ توسط عبدالباقي بن عبدالباقي بن رضی الدين محمد حسینی اريتمانی تويسرکانی كتابت شده و او گفته كه نسخه اساس كتابتش نسخه ای بوده كه محمد بن احمد بن سيد ناصر الدين حسینی در ۲۵ شعبان ۹۶۳/ سوم

است. تاريخ های آمده در بخش های از نسخه كه توسط محمد بن احمد بن ناصر الدين حسینی عاملی كتابت شده به ترتيب چنين است: پايان كتاب المعيشة (برگ ۲۲۰ ب) (... و كتبه بيده العبد الفقير الراجى عفوره به التقدير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسينى بالمشهد المعظم امير المؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام يوم الاحد المبارك سابع عشرين من شهر ذى القعدة الحرام من شهر سنه اربع وثمانين و تسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة والسلام والحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين و سلم تسليماً كثيراً)؛ پايان كتاب النكاح (برگ ۲۷۰ ب) (وافق الفراغ من هذا الكتاب المبارك يوم الخميس المبارك خامس يوم من شهر صفر مفتتح سنة خمس وثمانون و تسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة والسلام بالمشهد الغرورى على ساكنها افضل الصلوة والسلام... و كتبه بيده العبد الفقير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسينى العاملى بالمشهد الغرورى على ساكنه افضل الصلوة والسلام). به نظر مى رسد كه او در اواخر عمر خویش در نجف اقامت گزيده است. بنگريد به: فريب افكارى، فهرست نسخه های خطی كتابخانه مركزى و مركز اسناد دانشگاه تهران (تهران: كتابخانه، موزه و مركز اسناد مجلس شورای اسلامى، ۱۳۹۱ش)، ج ۱۹، ص ۷۰۸-۷۰۹. مترجم).

جولای ۱۵۵۶ کتابت کرده است (مختاری، ۱۹۸۹، ص ۱۵؛ دانش پژوه، ۱۹۷۶، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۲۲).

نسخه شماره ۴۸ کتابخانه قائن مشتمل بر مجلدی از کتاب کافی مجموعه مشهور حدیثی شیعه تألیف محمد بن یعقوب کلینی (متوفی ۳۲۹/۹۴۱) است که مشتمل بر باب المعیشتة تا طلاق است و توسط ابن ناصرالدین در دهم رجب ۹۶۴/نهم می ۱۵۵۷ کتابت شده است (اشکوری، ۲۰۰۲، ص ۴۴).

نسخه ۷۴۴۹ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم، مشتمل بر مجلد اول از مجلدات هفت گانه کتاب فقهی زین الدین مسالک الافهام است که محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی کتابت کرده است. تاریخ کتابت آن اواخر ذوالقعدة ۹۶۸ / میانه آگوست ۱۵۶۱ (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۶-۲۰۱۵، ج ۱۹، ص ۲۵۳-۲۵۴).

نسخه ۷۹۲۲ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم مجلد دوم کتاب مسالک الافهام است. کاتب نام خود را محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی حلی ذکر کرده و تاریخ فراغت از کتابت را ۲۵ جمادی الاولى ۹۷۱ / دهم ژانویه ۱۵۶۴ ذکر کرده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۶-۲۰۱۵، ج ۲۰، ص ۲۵۰).

نسخه ۳۸۲۰ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم یکی از مجلدات کتاب کافی کلینی است که مشتمل بر ابواب نکاح تا ایمان (قسم) است. در انجامه، محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی گفته که کتابت کتاب را در صفر ۹۸۰ / ژوئن - جولای ۱۵۷۲ آغاز کرده و کتابت آن را در ۲۳ شوال ۹۸۰ / ۲۶ فوریه ۱۵۷۳ به پایان رسانده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۵-۲۰۱۵، ج ۱۰، ص ۱۹۸-۱۹۹). در همان سال، ۱۵۷۲/۹۸۰-۱۵۷۳ محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی مجلدی از دیگر کتب اربعه شیعه در حدیث یعنی الاستبصار شیخ طوسی که اکنون به شماره ۵۳۴۵ در کتابخانه ملک هست را کتابت کرده است (ایرج افشار، ۱۹۷۳-۲۰۰۱)، ج ۱، ص ۳۶).

نسخه ۹۳۸۴ کتابخانه آیت الله مرعشی در قم مجلدی از کتاب من لا یحضره الفقیه، مجموعه ای حدیثی از کتب اربعه تألیف ابن بابویه (متوفی ۳۸۱/۹۹۱) است که در پنجم ربیع الاول ۹۸۱ / پنجم جولای ۱۵۷۳ توسط محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی علوی کتابت شده است (احمد حسینی و دیگران، ۱۹۷۵-۲۰۰۱، ج ۲۴، ص ۱۶۶-۱۶۷).

آقابزرگ طهرانی از وجود نسخه ای دیگری خبر داده که توسط محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی عاملی کتابت شده است. نسخه اخیر کتابتی از کتاب تراجم نگاری شیعه، کتاب الرجال تألیف کتبی (حیات قرن چهارم هجری / دهم میلادی است) که عبدالحسین امینی (متوفی ۱۳۹۰/۱۹۷۰) مؤلف کتاب الغدیر، در تهران دیده و آن را به مجموعه کتابهای کتابخانه امیرالمؤمنین در نجف افزوده است. تاریخ کتابت نسخه چهارشنبه نهم صفر ۹۸۴/ هشتم می ۱۵۷۶ است (آقابزرگ طهرانی، ۱۹۸۷، ص ۲۲۷).^۱

۱. آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر من القرن العاشر، تحقيق على نقى منزوى (قم: اسماعيليان، اسماعيليان، بی تا)، ص ۲۲۷. (نسخه ۹۳۸۴ کتاب من لا يحضره الفقيه که در ۹۸۱ از کتابت آن فراغت حاصل کرده از جهات دیگری نیز اهمیت دارد. در پایان جزء اول کتاب کاتب در اشاره به پایان کتابت نسخه نوشته است: «واتفق الفراغ من نسخة هذا الكتاب المبارك المعظم قدرة تهار الثلاثاء يوم الخامس والعشرون من شهر المحرم الحرام من شهر سنة احد وثمانين وتسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة والسلام بقلم العبد الفقير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسيني نسباً غفر الله تعالى له ولوالديهما ولجميع المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات آمين رب العالمين»). ابن ناصر الدين در پایان جزء دوم در انجامه باز خود را چنین معرفی کرده است: «تمّ الجزء الثاني من كتاب من لا يحضره الفقيه تصنيف الشيخ السعيد الفقيه ابي جعفر محمد بن على بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي قدس الله روحه ونور ضريحه بقلم العبد الفقير الراجي عفوره القدير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسيني العلوي يوم الاثنين سابع يوم من شهر صفر سنة احد وثمانين وتسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة والسلام والحمد لله وحده وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين». در پایان جزء چهارم نیز آمده است: «فرغ من نسخ اسانيد هذا الكتاب العبد الفقير الراجي عفوره القدير محمد بن احمد بن ناصر الدين الحسيني يوم الاحد المبارك يوم الخامس من شهر ربيع الاول من شهر سنة احد وثمانين وتسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة واثم السلام وصلى الله على محمد وآله وصحبه وسلم تسليماً كثيراً آمين يا رب العالمين». بر اساس تاریخ انجامه ها کتابت دوره چهار جلدی کتاب من لا يحضره الفقيه تقریباً سه ماه به طول کشیده است یعنی از محرم تاریخ الاول. مکان کتابت نسخه ذکر نشده است اما تعبیر آمده در انجامه آخر «و صحبه» شاید نشان از کتابت نسخه در محیطی سنتی نشین داشته باشد اما مهم این است که نسخه در تملک سید علی بن حسین بن ابی الحسن داماد شهید ثانی بوده که ظاهراً در آن ایام در دمشق اقامت داشته است. در پایان جزء سوم انهاء مقابله توسط سید علی بن بن ابی الحسن حسینی عاملی آمده اما تاریخ مقابله ذکر نشده است (قبول هذا الجزء بنسخ متعددة لا تخلو عن صحة، فصح الا ما زاغ عنه البصر وحسر عنه النظر والله الحمد والمثنة على تمام التوفيق لذلك وكتب على بن ابى الحسن الحسينى العالمى). همان دست خط در پایان کتاب المشیخة در پایان جزء چهارم آمده و تاریخ داراست اما بخشی از تاریخ انهاء مقابله پاک شده اما ظاهراً سال باید همان ۹۸۱ باشد و بر این اساس شاید بتوان گفت که ابن ناصر الدین و سید علی بن ابی الحسن نسخه را با نسخه هایی دیگر مقابله کرده اند (قبول هذا الكتاب من اوله الى آخره بنسخ متعددة لا تخلو من صحة.. الا ما زاغ عنه النظر وحسر عنه البصر وذلك في مجالس متعددة آخرها ربيع الآخر سنة احد - پاک شده و باید ثمانین

نسخه‌های اخیر نشانگران است که محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی در کار کتابت بسیار فعال بوده و نه تنها کتاب‌های استادش زین‌الدین عاملی بلکه دیگر کتابهای اربعه حدیثی شیعه و دیگر آثار مهم در سنت فقهی امامیه را کتابت کرده است. باقی بودن شمار فراوانی از نسخه‌هایی که او کتابت کرده، دلالت دارد که او کاتبی متبحر و حرفه‌ای بوده و نسخه‌هایی که او کتابت کرده ارزش بالایی داشته و سزاوار نگهداری بوده‌اند. بسیار محتمل است که کتابهای دیگری که وی کتابت کرده در کتابخانه‌های ایران و دیگر جاها باقی مانده باشد که اگر چنین باشد، باید پذیرفت که کتابهای بسیاری از کتابت‌های او باقی مانده و کتابهای بسیار دیگری از کتابت‌های او در گذر زمان از دست رفته‌اند. او موهبتی برای جامعه عالمان امامی روزگارش در شام و جبل عامل بوده و مقام خاصی در حلقه شاگردان زین‌الدین به دلایل مختلف داشته است.

نسخه‌های خطی موجود نشانگران است که وی به عنوان فردی کاتب از ۱۵۴۴/۹۵۱-۱۵۴۵ احتمالاً بشکلی مداوم تا ۱۵۷۶/۹۸۴ به کار کتابت مشغول بوده، دوره‌ای بیش از سی سال یعنی هم در حیات و سپس پس از شهادت استادش زین‌الدین. هر چند وی مسلماً شاگردی در فقه امامیه بوده شاهدهی بر اینکه او خود تألیفی نیز داشته، بدست نیامده است. تاریخ درگذشت وی باید بعد از ۱۵۷۶/۹۸۴ باشد و او احتمالاً حدود ۱۵۲۸/۹۳۵-۱۵۲۹ یا اندکی قبل تردیده به جهان گشوده باشد اگر وی در ۱۵۴۴/۹۵۱-۱۵۴۵ مشغول تحصیل فقه بوده باشد.

وی عموماً نام خود را محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی ذکر کرده است و گاهی السید یا العلوی را نیز به آن افزوده است. نسبت حلی که سید ابن ناصرالدین در انجامة نسخه

و تسعمائة باشد - حامداً مصلیاً مسلماً، نسخه در اختیار برخی دیگر از افراد خاندان ابی الحسن بوده و تملکات و بلاغ‌های مختلف مقابله در ادوار بعدی نیز بر آن هست. درباره اینکه نسخه‌های متعدد مورد اشاره سید علی بن ابی الحسن چه بوده در پایان جزء اول در کنار انجامة ابن ناصرالدین یکی از کسانی که نسخه را در اختیار داشته به خطی ریزتر نوشته شده است: «بلغ مقابله و تصحیحاً بحسب الطاقه بنسختان صحیحین مقابلتین بنسخة الشیخ حسن بن زین‌الدین الشهید الثانی قدس سرهما و ذکرانه عنده وقت مقابلتها خمس نسخ و الحمد لله». شاید عبارت اخیر از شیخ علی کبیر باشد که به تاریخ دوم ذی‌الحجه ۱۰۹۱ بلاغ سماعی برای سید کمال‌الدین بن حیدر حسینی عاملی در برگ آخر نسخه نوشته است. نسخه اخیر نشان از ارتباط ابن ناصرالدین با خاندان ابی الحسن از بیوتات اشراف شام است. (مترجم).

الروضة البهية که در ۹۵۷-۹۵۸ / ۱۵۵۰-۱۵۵۱ برای خود آورده بانسبتی که در نسخه ۷۹۲۲ کتابخانه آیت الله مرعشی قم که مشتمل بر مجلد دوم کتاب مسالک الافهام زین الدین عاملی است و تاریخ کتابت آن ۲۵ جمادی الاولی ۹۷۱ / ۱۰ ژانویه ۱۵۶۴ است، تأیید می شود. در نسخه اخیر او خود را محمد بن احمد بن ناصر الدین حسینی حلی معرفی کرده است. نکته نامشخص این است که وی چند مدتی از عمرش را در حله - شهری در جنوب عراق - گذرانده است، یا اینکه در آنجا به دنیا آمده و در جوانی آنجا را ترک کرده یا آنکه در جایی دیگر به دنیا آمده اما اجدادش اهل حله بوده اند. این واقعیت که حر عاملی نسبت کرکی را برای او و فرزندش به کار برده متضمن این است که دست کم آنها برای مدت طولانی در کرک نوح - مکانی نزدیک بعلبک - اقامت داشته اند.

نسخه ای از کتاب القاموس المحيط محمد بن یعقوب فیروزآبادی

نسخه ای دیگر که محمد بن احمد بن ناصر الدین کتابت کرده، نشانگر آن است که وی خود را بر مذهب فقه شافعی معرفی می کرده است. نسخه شماره ۳۴۲ کتابخانه ملی ملک که نسخه ای از کتاب لغت مشهور القاموس المحيط تألیف محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۱۴۱۴/۱۱۷) است که محمد بن احمد بن السید ناصر الدین آن را کتابت کرده است. انجامة کاتب در آخر کتاب چنین است:

«...نجز القاموس المحيط والقاموس الوسيط على يد العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين الحسيني نسباً، الشافعي مذهباً، بمدينة دمشق المحروسة آخر نهار الأربعاء مسيه ليلة الخميس المبارك تاسع يوم من شهر شوال المبارك من شهر سنة احدى وسبعين و تسعمائة هجرية على مشرفها افضل الصلوة والسلام على اشرف الخلق و اكمل الخلق محمد صلى الله عليه و السلم تسليماً كثيراً...» (برگ ۵۹۲ ر و).



«کتابت این نسخه از کتاب القاموس المحيط والقابوس الوسيط به دست بنده ناچیز خداوند بلند مرتبه محمد بن احمد بن سید ناصر الدین حسینی نسب و شافعی مذهب در شهر دمشق خداوند نگهدارش باشد در پایان روز چهارشنبه و آغاز شب پنجشنبه مبارک نهم ماه

شوال مبارک از سالهای ۹۷۱ هجری که برصاحب تشرف بخشیدن به آن برترین درودها و سلامها بر اشرف و کاملترین بندگان محمد که صلوات خداوند و سلامش بر او پیوسته و مداوم باد، به پایان رسید...».

نسخه انجامه ای دیگر نیز دارد که مشابه انجامه نخست است جز در سال ذکر شده: تاریخ در اینجا نهم شوال ۹۷۲ (برگ ۵۹۳ رو) آمده است. محتمل ترین توضیح برای این مطلب آن است که کاتب در ذکر سال خطا کرده و بار دیگر انجامه را با ذکر تاریخ درست نوشته است. تاریخ صحیح برای فراغت از کتابت نسخه بر این اساس نهم شوال ۹۷۱ / بیست می ۱۵۶۴ نیست بلکه نهم شوال ۹۷۲ / ۱۰ می ۱۵۶۵ است. هر چند عموماً در انجامه محل کتابت نسخه ذکر نمی شود اما در اینجا به صراحت مکان کتاب نسخه دمشق ذکر شده است. کاتب به احتمال بسیار همان کاتب نسخه الروضة البهية است که در قبل از او سخن رفت چرا که دست خط نیز یکی است.

تردیدی در این مطلب که محمد بن احمد بن ناصر الدین عالمی امامی مذهب است، نیست. او فقه امامیه را در سالهای بسیاری نزد زین الدین عاملی خوانده از جمله کتابهای اصلی فقهی استادش الروضة البهية و مسالک الافهام. او در ارتباط بسیار نزدیک با زین الدین در ایامی که وی در خفا بسر می برده، بوده است. تمام کتابهایی که در قبل از آنها سخن رفت جلگی آثار رسمی در سنت امامیه بوده اند و او آنها را پیش و بعد از کتاب قاموس کتابت کرده است. فزوتتر آنکه او و فرزندش بدرالدین به عنوان علمانی شیعه توسط حر عاملی در امل الآمل ذکر شده اند (یعنی که تردیدی در تشیع آنها نیست). محتملترین نتیجه برای شاهد و مدرک ارایه شده این است که او زمانی که کتاب القاموس المحيط را کتابت می کرده، تقیه کرده (و خود را شافعی معرفی کرده) است. او کاتبی خبره بوده که نسخه ای از این اثر متداول را برای فروش احتمالاً به عالمان سنی کتابت کرده است. نسخه بعدها در میان حلقه های عالمان سنی چون گروهی از قضات عثمانی تداول داشته و در اختیار آنها بوده است. تملکات بر نسخه دلالت دارد که یکی از مالکان درویش زاده خلیل جودت (حیات قرن یازدهم هجری) قاضی از میر بوده است. تملک دیگری از حاجی ولی الدین بن حاج احمد زاده، قاضی مکه بر نسخه موجود است. نسخه را شخصی به نام محمد بن خلیل بغدادی به مکه در ۱۱۴۴/۱۷۳۱-

۱۷۳۲ برده است.^۱ مشخص نیست که در چه زمانی نسخه سر از ایران درآورده است. دو مطلب در نحوه معرفی آمده در انجامة دلالت بر تقیه دارد. نخست حذف نسبت متداول توسط کاتب است که تنها نسبت اجدادی خود حسینی را آورده است که دلالت بر این دارد او سید و از نوادگان امام حسین علیه السلام است. وی نسبت کرکی خود را که حر عاملی به آن اشاره کرده، را نیاورده است که معرف آن است که وی اهل کرک نوح است و ممکن بوده تشیع خود را به دلیل ذکر آن آشکار کند. همچنین نسبت حلی را نیز نیاورده که در انجامة الروضة البهية آورده که آن نیز باید به سبب اجتناب از معرفی خود به عنوان فردی شیعی بوده باشد. این شیوه با آنچه که از دیگر اسناد دال بر تقیه در اختیار داریم، هماهنگ است. به عنوان مثال حسین بن عبدالصمد عاملی (متوفی ۱۵۷۶/۹۸۴) شاگرد برجسته زین الدین عاملی و فرزند بسیار مشهور حسین بن عبدالصمد، بهاء الدین عاملی نسبت اجدادی خود الحارثی الهمدانی اشاره به جدشان حارث بن عبدالله اعور همدانی (متوفی ۶۵/۶۸۴-۶۸۵) از اصحاب مشهور علی بن ابی طالب علیه السلام را به جای ذکر نسبت الجبعی یا العاملی در هنگام عمل به تقیه ذکر کرده اند و شهید اول از به کارگیری نسبت جزینی در معرفی خود اجتناب کرده و به جای آن از شهرت و لقب دمشقی برای معرفی خود استفاده کرده است (استوارت، ۱۹۹۶، ص ۴۶-۴۷؛ همو، ۱۹۹۷، ص ۱۸۰-۱۸۱).

دیگر مطلب دال بر تقیه، عمل بسیار مشهور این است که ابن ناصرالدین به صراحت خود را شافعی مذهب یکی از چهار مذهب رسمی اهل سنت در روزگارش معرفی کرده است. این مدرک همچنین دیگر شواهد پیروی از مذهب فقهی شافعی که عالمان امامی هنگام تقیه خود را به آن معرفی می کردند را تأیید می کند. دیگر شاهد صریح و روشن در باب پیروی از مذهب فقهی شافعی نسخه ای از کتاب نور الحقیقه و نور الحدیقه کتابی در اخلاق اسلامی است که حسین بن عبدالصمد تألیف کرده است. در نسخه ای از کتاب که به سلطان سلیمان عثمانی تقدیم شده و کتابت آن در استانبول به تاریخ دوازدهم ذوالقعدة ۹۴۵/ اول آوریل ۱۵۳۹ به پایان رسیده، حسین بن عبدالصمد خود را «حسین بن عبدالصمد الشافعی الحارثی الهمدانی» معرفی کرده است (استوارت، ۱۹۹۷، ص ۱۶۹-۱۷۶). با فرض اینکه ابن ناصر

۱. ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه و دیگران، فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۱۳ (تهران: کتابخانه ملی ملک، ۱۹۷۳-۲۰۰۱)، ج ۱، ص ۵۵۹-۵۶۰.

الدین کاتبی کثیرالکتابه بوده محتمل است که مانسخره های دیگری از کارهای کتابت شده توسط او را با همین ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی بیابیم.

شواهد تفصیلی دیگری که عالمان امامی در شام تحت تسلط عثمانی خود را شافعی معرفی می کرده اند، در دست است. زین الدین عاملی و شاگردش حسین بن عبدالصمد هردو نزد عالمانی از اهل سنت دمشق و مصر تحصیل کرده بودند. در مصر آنها فقه اسلامی را نزد فقیهان برجسته شافعی خوانده بودند و بنظر محتمل نمی رسد که آنها موفق به انجام چنین کاری شده باشند جز آنکه ادعای اهل سنت بودن و پیروی از یکی از مذاهب فقهی را کرده باشند. هردو در ۹۵۲/۱۵۴۶ به استانبول سفر کرده بودند و تقاضای دریافت سمت تدریس فقه در مراکز علمی را به مقامات رسمی اداری عثمانی داده بودند و هردو سمت‌هایی را به دست آورده بودند؛ زین الدین استاد تدریس فقه در مدرسه نوریه بعلبک شده بود و حسین استاد فقه در مدرسه ای در بغداد سمتی که او از پذیرش آن سرباز زده بود. از آنجایی که مدرسه نوریه نهادی متعلق به شافعیان بود، معقول است که تصور کنیم زین الدین باید خود را در استانبول فقیه شافعی معرفی کرده باشد. او تدریس در مدرسه نوریه را در ۹۵۳-۹۵۴/۱۵۴۶-۱۵۴۷ رها کرده و ترک کرده بود.^۱ زمانی که زین الدین برای بار نخست در دمشق حدود

1 Stewart, "Iusayn b. YAbd al-Namad al-YAmilD's Treatise for Sultan Suleiman," 169-76; Salati, "Il Viaggio di Zayn al-DDn."

(عبدالغنی بن اسماعیل نابلسی (متوفی پنجم شعبان ۱۱۴۳) در ۲۲ ربیع الاول ۱۱۱۲ سفر خود به طرابلس را از دمشق آغاز کرد و بخشی از مطالب مربوط به سفر خود را در اثری با عنوان التحفة النابلسیة فی الرحلة الطرابلسیة، حقیقه و قدم له هریرت بوسه (بیروت: المعهد الألماني للأبحاث الشرقیة، ۲۰۰۳) پیش از ربیع الاول ۱۱۱۳ تدوین کرده است. وی دیداری از کرک نوح و مزار منسوب به نوح نبی در آنجا داشته و از متولی آن مقام که از سادات آل مرتضی بوده، یاد کرده و اشاراتی درباره او آورده و گفته که به همراه او در جامع کبیر کرک نوح نماز جمعه را بر مذهب شافعی خوانده است (ثم إننا صلینا الجمعة علی مذهب الإمام الشافعی فی هذا الجامع الکبیر الذی هو جامع قریة الکرک...) (التحفة النابلسیة، ص ۱۱۱). سادات آل مرتضی متولیان رسمی مقام نوح در کرک نوح بوده اند و در وقفیه امیر محمد بن ناصر الدین معروف به حنش نیز از متولی مقام که فردی به نام سید علوان بن سید علی بن علی بن حسین (متوفی بعد از ۹۴۵) بوده، به عالمی شافعی از خاندان آل مرتضی (قدوة علماء السادة الشافعیة) یاد شده است. بنگرید به: حسن عباس نصرالله، تاریخ کرک نوح (دمشق، ۱۴۰۶/۱۹۸۶)، ص ۱۷۴؛ محمد عدنان بخیت، «دور أسرة آل الحنش والمهام التي أوكلت إليها فی ریف دمشق الشام ۷۹۰هـ/۱۳۸۸م - ۹۷۶هـ/۱۵۶۸ م دراسة وثائقية»، هو، دراسات فی تاریخ بلاد الشام: سوریه و لبنان (دمشق، ۲۰۰۸)، ج ۳، ص ۷۶ مترجم).

۱۵۵۷/۹۶۴ دستگیر شد، گزارش شده که او قاضی حنفی شام، حسن بیگ افندی (متوفی ۱۵۷۶/۹۸۴) را با ذکر عبارت ترضیه بر صحابه پیامبر از جمله ابوبکر و عمر و پاسخ دادن باین که وی شافعی مذهب است هنگامی که از مذهب فقهی او پرسش شده بود، به سنی بودن متقاعد کرده بود (بلک بورن، ۲۰۰۵، ص ۲۰۸-۲۱۰؛ استوارت، ۲۰۰۸، ص ۳۳۳، ۳۳۶-۳۶۷). مثالهای دیگری از چنین ادعای مشابهی از شیعیان همین منطقه البته نه در زمان مورد بحث فعلی در دست است. گفته شده که محمد بن مکی در محکمه خود در دمشق در ۱۳۸۴/۷۸۶ خود را شافعی معرفی کرده است (امین، ۱۹۸۴، ج ۱۰، ص ۶۰). بسیاری از افراد خانواده های اشراف و سادات در ناحیه که در خفا شیعه بوده اند در هنگام معرفی خود را شافعی مذهب معرفی کرده اند (سالاتی، ۱۹۹۲؛ ۱۹۹۹). زمانی که فقیه سنی مذهب عبدالغنی نابلوسی (متوفی ۱۷۳۱/۱۱۴۳) از کرک نوح در ۱۷۰۰/۱۱۱۲ دیدار کرده، او شریف شیعه از خاندان آل مرتضی راستایش کرده و گفت او و شریف بر اساس مذهب شافعی نماز گزارده اند (ویتتر، ۲۰۱۰، ص ۲۹). نسخه القاموس المحیط فیروزآبادی شاهد دیگری برای ادعای پیروی از مذهب فقهی شافعی در میان شاگردان زین الدین در اختیار ما قرار می هد و دلالت دارد که آنها و بسیاری از عالمان شیعه جبل عامل و نواحی مجاور در این دوران عموماً چنین ادعایی می کرده اند و عمل به تقیه شیوه ای مرسوم و متداول بوده است.

ادعای شافعی بودن در مواردی دست کم فراتر از تنها بیان شفاهی چنین پیروی بوده است. زین الدین عاملی و حسین بن عبدالصمد عاملی فقه و اصول فقه رانزد برجسته ترین فقیهان شافعی قاهره خوانده و اجازاتی که نشانگران باشد، دریافت کرده بودند. به واقع هر دو در فقه شافعی تبخر داشته اند. در انجام چنین شیوه ای، آنها از همان سنت کهن متداول در میان امامیه خواندن فقه نزد اهل سنت که فقیهان برجسته ای چون علامه حلی (متوفی ۱۳۲۵/۷۲۶) و شهید اول پیروی کرده اند (استوارت، ۱۹۹۷). محتمل است که محمد بن احمد بن ناصر الدین نیز فقه شافعی رانزد عالمان سنی همچون زین الدین خوانده باشد، اما منابع چنین تصریح آشکاری را در بر ندارند. شاید هم ادعای شافعی بودن تنها شگردی برای دور کردن سوء ظن گرایش مذهبی او بود یا تظاهر به تسنن تنها به خاطر جلب نظر خریداران سنی برای خریدن نسخه از وی بوده باشد. با این همه اگر روابط بسیار نزدیک او با استادش زین الدین که تنها هفت سال قبل شهید شده بود را در ذهن داشته باشیم، وی ممکن است که

احساس خطر جدی کرده باشد.

برخی مورخان نقش تقیه در زندگی روزمره شیعیان لبنان در دوره عثمانی را کم اهمیت می‌دانند و معتقدند که زندگی پنهانی زین الدین عاملی و حتی شهادت او و سفرهای بهاء الدین عاملی به شام، مصر و حجاز حوادثی غیر طبیعی بوده است. اشتفان ویتتر می‌نویسد که چنین اموری دلالت بر خصومت و عداوت عمومی علیه شیعه ندارد (ویتتر، ۲۰۱۰، ص ۲۰-۲۶). در حالی که دو مورد ذکر شده مواردی استثنائی هستند و شیعیان در لبنان و شام تحت سیطره عثمانی با دشواری‌های مدام مواجه نبوده‌اند، شیوه‌هایی که آنها یعنی شهید ثانی و شیخ بهایی برای معرفی خود بدان متوسل شده‌اند، باعث ترغیب کردن شیعیان و عقیده رایج لزوم عمل به تقیه که شامل ادعای پیروی از مذهب شافعی بوده، احتمالاً در میان جوامع شیعه بسیار متداول بوده باشد.



کتابشناسی

منابع منتشر نشده:

زین الدین عاملی، مسالک الافهام، نسخه خطی شماره ۷۹۲۲ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ایران.

همو، الروضة البهية، نسخه خطی شماره ۲۰۱۷۲ کتابخانه ملی ایران، تهران.

محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحيط، نسخه خطی شماره ۳۴۲ کتابخانه ملی ملک تهران.

محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، نسخه خطی شماره ۴۸ قائن ایران.

همو، الکافی، نسخه خطی شماره ۳۸۲۰ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم ایران.

ابن بابویه قمی، کتاب من لا یحضره الفقیه، نسخه خطی شماره ۹۳۸۴ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم ایران.

محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، نسخه خطی شماره ۵۳۴۵ کتابخانه ملی ملک، ایران تهران.

همو، تهذیب الاحکام، نسخه خطی شماره ۲۱۸۹ کتابخانه ملی ملک تهران ایران.

منابع اولیه:

محمد بن حسن حرعاملی، أمل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی (نجف، ۱۳۸۵/۱۹۶۵).

میرزا عبدالله افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق سید احمد حسینی (قم، ۱۴۰۱/۱۹۸۰).

تحقیقات:

ایرج افشار، محمد تقی دانش پژوه و دیگران، فهرست کتابخانه ملی ملک (تهران، ۱۹۷۳-۲۰۰۱).

Allouche, A. (1983) *The Origins and Development of the Ottoman-Nafavid Conflict (906-62/1500-1555)*, Berlin.

محسن امین، اعیان الشیعة، تحقیق حسن امین (بیروت، ۱۹۸۴).

Amir-Moezzi, M.A. (2001) "Dissimulation", in Jane MacAuliffe (ed.), *Encyclopaedia of the Qur'an*, Leiden, vol. I, 320-24.

Amir-Moezzi, M.A. (2014) "Dissimulation tactique (*taqiyya*) et scellement de la prophétie (*khatm al-nubuwwa*) (Aspects de l'imamologie duodécimaine XII)", *Journal Asiatique* 302.2, 411-38.

فتحیه مصطفی عطوی، التقیة فی الفکر الاسلامی (بیروت، ۱۹۹۳).

Blackburn, R. (2005) *Journey to the Sublime Porte: The Arabic Memoir of a Sharifian Agent's Diplomatic Mission to the Ottoman Imperial Court in the Era of Suleyman the Magnificent: the relevant text from Qu'Ob al-D In al-Nahrwāl I's al-Fawā ' id al-saniyyah ft al-rīllah al-madaniyyah wa-l-rūmiyyah*, Beirut.

Dakake, M.M. (2006) "Hiding in Plain Sight: The Practical and Doctrinal Significance of Secrecy in Shi ' ite Islam", *Journal of the American Academy of Religion* 74, 324-55.

محمد تقی دانش پڑوه، فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه مقدسه قم (قم، ۱۹۷۶).

De Smet, D. (2011) "La pratique de *taqiyya* et *kitmān* en islam chiite: compromise ou hypocrisie", in M. Nachi (ed.), *Actualité du compromise. La construction politique de la difference*, Paris, 148-61.

Eberhard, E. (1970) *Osmanische Polemik gegen die Safawiden im 16. Jahrhundert nach arabischen Handschriften*, Freiburg im Breisgau.

محمد فوزی، مفهوم التقیة فی الاسلام (بیروت، ۱۹۸۵).

Goldziher, I. (1906) "Das Prinzip der *takijja* im Islam", *Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft* 59, 213-26.

جلال الدین همایی و رسول جعفریان، «شرحی درباره نسخه الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية کتابت شده در زمان حیات شهید ثانی بایادداشت های او»، جشن نامه آیت الله شیخ ابراهیم امینی، به کوشش رسول جعفریان (قم، ۱۳۹۴/ش/۲۰۱۵)، ص ۹۶۵-۹۷۸.

احمد حسینی و محمود مرعشی و دیگران، فهرست کتابهای خطی کتابخانه آیت الله مرعشی (قم، ۱۹۷۵-۲۰۱۵).

سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه های خطی کتابخانه قائن (قم، ۱۳۸۱/ش/۲۰۰۲).

Kohlberg, E. (1975) "Some Imāmī-Shāfi'ī Views on *Taqiyya*", *Journal of the American Oriental Society* 95, 395-402.

Kohlberg, E. (1995) "*Taqiyya* in Shī ' ī Theology and Religion", in Hans G. Kippenberg and Guy G. Stroumsa (eds.), *Secrecy and Concealment: Studies in the History of Mediterranean and Near Eastern Religions*, Leiden, 345-80.

Kütükoğlu, B. (1962) *Osmanlı İ- İrān siyāsī münāsebetleri, 1578-1590*, Istanbul:.

سامی مکارم، التقية في الاسلام (لندن: مؤسسة التراث الدرزي، ٢٠٠٤).

Meyer, E. (1980) "Anlass und Anwendungsbereich der taqiyya", *Der Islam* 57, 246-80.

نزیه محیی الدین، التقية (بيروت، بی تا).

رضاختماری، مقدمه برزین الدین عاملی، منية المرید فی أدب المفید والمستفید (قم،

١٩٨٩).

Newman, A. (1993) "The Myth of Clerical Migration to Safawid Iran: Arab Shiite Opposition to Ālī al-Karakī and Safawid Shiism", *Die Welt des Islams* 33, 66-112.

Salati, M. (1985) "Le nisbe geografiche del *Kitāb amal al-āmil fī dhikr 'ulamā' Jabal 'Āmil'*", *Cahiers d'Onomastique Arabe* (1982-84), 57-63.

Salati, M. (1989) "I villaggi imamiti della provincia di Aleppo in epoca ottomana", *Rivista degli Studi Orientali* 63, 231-55.

Salati, M. (1990) "Ricerche sullo Scismo nell'impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dīn al-Šahīd al-Tānī a Istanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545)", *Oriente Moderno* 70, 81-92.

Salati, M. (1992) *Ascesa e caduta di una famiglia di Ašraf sciiti di Aleppo: I Zuhrawi o Zuhra-zada (1600-1700)*.

Salati, M. (1993) "Toleration, Persecution and Local Realities: Observations on the Shiism in the Holy Places and the Bilad al-Sham (Sixteenth-Seventeenth Centuries)," in *La Shi'a nell'Impero ottoman*, Rome, 123-32.

Salati, M. (1999) "Presence and Role of the *Sādāt* in and from Ēabal Āmil (Fourteenth-Eighteenth Centuries)", *Oriente Moderno* 79, 597-627.

Salati, M. (2002) "Shiism in Ottoman Syria: A Document from the QĀĀḌ Court of Aleppo (963/1555)", *Eurasian Studies* 1, 77-84.

علی الشمالوی، التقية في إطارها الفقهي (بيروت، ١٩٩٢).

Stewart, D.J. (1996a) "Notes on the Migration of Āmilī Scholars to Safavid Iran", *Journal of Near Eastern Studies* 55, 81-103.

Stewart, D.J. (1996b) "*Taqiyyah* as Performance: The Travels of Bahā' al-Dīn al-Āmilī in the Ottoman Empire (991-93/1583-85)", *Princeton Papers in Near Eastern Studies* 4, 1-70.

Stewart, D.J. (1997) "Ūsayn b. 'Abd al-Ūnamad al-Āmilī's Treatise for Sultan Suleiman and the Shī'ī Shafī'ī Legal Tradition", *Islamic Law and Society* 4, 156-99.

Stewart, D.J. (1998) *Islamic Legal Orthodoxy: Twelver Shiite Responses to the Sunni Legal System*, Salt Lake City.

Stewart, D.J. (2003) "Documents and Dissimulation: Notes on the Performance of *Taqiyya*", in Cristina de la Puente (ed.), *Identidades*

Marginales. Estudios Onomásticos-Biográficos de al-Andalus, XIII, Madrid, 569-98.

Stewart, D.J. (2006) "An Episode in the Amili Migration to Safavid Iran: Husayn b. Abd al-Samad al-Amili's Travel Account", *Iranian Studies* 39.4, 481-508.

Stewart, D.J. (2008) "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-Āmilī", *Die Welt des Islams* 48 (2008): 289-347.

Stewart, D.J. (2009) "Investigating the Second Martyr", in Muḥammad Kāzim Raīmatī (ed.), *Law in Transmission: The Amilī Role in the Development of Shi'i Law*, Qum, 10-16.

Stewart, D.J. (2013) "Dissimulation in Sunni Islam and Morisco Taqiyya," *al-Qanṭara* 34.2, 439-90.

Strothmann, R. (1913-36) "Taqiyya", *Encyclopaedia of Islam*, 1st ed., Leiden, vol. VIII, 628-29.

آقاييزگ طهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة (بيروت، ١٩٨٣).

همو، طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر من القرن العاشر، تحقيق على نقى منزوى (قم،

١٩٨٧).

Winter, S. (2010) *The Shiites of Lebanon under Ottoman Rule, 1516-1788*, Cambridge.



العربیة فونى وجعله نوراً بين يديك يوم حسارى والحسن بن
 وقوله ربنا صفوحاً طرفنا المبرورين فالفضل والالهام الاكلان على حبيبهم وصبيته وخليته
 وبنوته محمد الذي لا يرصى البيان استحقاقه من الوصف حمدناه ونبتله الى الله الصبور ان
 يؤمى اليه صلواتنا وقبضته بعدناه وان نصلي على آله وان ولجبه ولاه الحق ونسأده ورعيته
 العسوق عرب السنون ونحمد العرب

القاموس المحيط والقابوس المطبوع

على يد العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين الحسيني

الشافعي ولفظاً بمؤيدته ودينق الحقن ساجد لها لا رقيباً مستبلاً
 الحمد الى الله تاسع فونين من شوال المباح من شهر ربيع الثاني

وَسَبَّحَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 وَالصَّلَاةَ عَلَى خَيْرِ مَنْ خَلَقَ وَأَجْمَلَهُ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

أحمد بن
 الحسيني

الجبير فوازي وجعله نوراً بين يديك يوم يحيا في المجد من رب العالمين على فضل الموقور ويقول ربنا
معوذاً طراً المبرور، والمصطفى والمصدق الامان الكملان على حبيبه وصفيته وتخليله وتكرمهم
الذي يرضى لينا ان استحقاقه من الوصف جدها وبتمهل الى الله تعالى الصبر ان يوم لا يفتونا
وتقرب منه بقرنا وان يصير على الكبر والندج ولا اله الا الحق وقصاه وريفه العبق ومن الاستود فتحة

الترقي والشرق وبسبباً كبراً والما ابدان رب العالمين
بخط القاموس المحيط والقابوس الوسيط

على يد العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن احمد بن السيد ناصر الدين الحسيني والجليل
الشيخ الفاضل في هذا الشأن مشهور في احدى اهل الاربعة سيد كمال الخليل

المبارك تاسع يوم من شهر ربيع الثاني سنة ثمان مائة وثمانين

وتسعة مائة على مشرفها افضل الفلوه واتم المالك على فضل الخلق

واشرف الخلق محمد صلى الله عليه وسلم نبياً كريماً

والحمد لله رب العالمين وعلى الله

على سيدنا محمد وآله وصحبه

وسلم



الف افسوسم قال تعالى تبي كما قال في هذا الكتي سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول من
استغل ذكركم الرزق حرم عليكم المقتل في قصان ما استحق لانه مثل اقل الرزق تنعم كثير
حميد بن زبير عن عبيد بن اسود عن ابن عباس بن ابي عمير عن الحسن بن احمد المتوفي عن زرارة عن ابي
عبد الله عليه السلام قال ان من الرزق ما ليس له على العظم احمد بن محمد بن الفارض عن علي بن
الحسن النعماني عن علي بن اسباط عن رجل عن ابي عبد الله عليه السلام قال ذكركم الرزق حرم عليكم
فان استغلت الرزق حرم عليكم الا ان تطلبوا الرزق في الاصل انما الملك ثم قال انما عليه
حلاله كما هو الحق قد يعينها قصرة الامهار احمد بن محمد بن محمد بن الحسين بن محمد بن احمد
الهمداني عن محمد بن علي بن شريف بن سفيان عن الفضل بن ابي قرعة عن ابي عبد الله عليه السلام
قال استغلوا الرزق الحرام من صلوات الله عليه فقلوا انما استغلوا الرزق الحرام
او استغلوا الرزق الحرام والاركان يوطنها منهم الرضا بالسنة وروج سلمان وبلال بن
وحميد بن ابي بولس بن ابي حنيفة وقالوا لا تقبلوا من الرزق الا ما هو حلال عليكم فكلوا من
فما حرام الا حرام انما ذلك ما انا المستحقين انما ذلك يخرج من هو حرام حرامه
يقولنا نعمنا المرابي ان هؤلاء قد سبوا من الرزق الحرام والاركان يوطنها منهم الرزق الحرام
ولا يوطنوا حرامه انما ما يستغلون فاجر ابارك الله لكم فاني سمعت رسول الله صلى
عليه وآله يقول الرزق حرامه الرزق حرامه الرزق حرامه الرزق حرامه وفي التجارة
ومواصلة في بيته

فانما هو حرامه الرزق حرامه
احمد بن محمد بن الحسين بن محمد بن احمد
الهمداني عن محمد بن علي بن شريف بن
سفيان عن الفضل بن ابي قرعة عن ابي عبد الله عليه السلام
قال استغلوا الرزق الحرام من صلوات الله عليه فقلوا انما استغلوا الرزق الحرام
او استغلوا الرزق الحرام والاركان يوطنها منهم الرضا بالسنة وروج سلمان وبلال بن
وحميد بن ابي بولس بن ابي حنيفة وقالوا لا تقبلوا من الرزق الا ما هو حلال عليكم فكلوا من
فما حرام الا حرام انما ذلك ما انا المستحقين انما ذلك يخرج من هو حرام حرامه
يقولنا نعمنا المرابي ان هؤلاء قد سبوا من الرزق الحرام والاركان يوطنها منهم الرزق الحرام
ولا يوطنوا حرامه انما ما يستغلون فاجر ابارك الله لكم فاني سمعت رسول الله صلى
عليه وآله يقول الرزق حرامه الرزق حرامه الرزق حرامه الرزق حرامه وفي التجارة
ومواصلة في بيته

كتاب المعيشة

ذات الفاشة الله في كتابك كاج تاليه الى

جمع محمد بن يعقوب الكليني
تقدمه ابي محمد بن اسحاق
محمود بن محمد بن اسحاق
احمد بن محمد بن اسحاق
علي بن محمد بن اسحاق
الكليني
سنة ۱۰۵۱۹

وكبيره الباقية الى العبد المذنب
احمد بن محمد بن اسحاق
محمود بن محمد بن اسحاق
علي بن محمد بن اسحاق
الكليني
سنة ۱۰۵۱۹

برگی از نسخه کافی به شماره ۱۰۵۱۹ دانشگاه تهران که نشان از حیات محمد بن احمد بن ناصرالدین حسینی در سال ۹۸۴ ق دارد و محل کتابت نسخه نجف ذکر شده است. به احتمال بسیار وی سال های پایانی عمر خود را به قصد مجاورت در نجف سپری کرده است.



بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی منتشر کرده است:

